

مقایسه توزیع درآمد بین عوامل تولید در نظریه سرمایه داری و اقتصاد اسلامی

مهین رضائی^(۱) و محمد لشکری^(۲)

چکیده

منظور از توزیع درآمد این است که درآمد حاصل از تولید چگونه به عوامل تولید تعلق می‌گیرد یا سهم بخشهای اقتصادی از درآمد حاصل شده چقدر است. توزیع نابرابر عوامل تولید موجب توزیع درآمد حاصل از تولید می‌گردد. بنابراین برای عادلانه کردن توزیع درآمد، قبل از تولید باید توزیع عادلانه عوامل تولید بین افراد، گروهها و بخشهای مختلف اقتصادی صورت گیرد. با روشهای مختلف می‌توان توزیع درآمد را اندازه‌گیری کرد. مهمترین روشهای اندازه‌گیری توزیع درآمد عبارتند از: ۱) توزیع درآمد بر حسب ابعاد، ۲) توزیع درآمد بر اساس عوامل تولید، ۳) توزیع مقداری درآمد، ۴) توزیع درآمد از طریق منحنی لورنز، ۵) ضرایب جینی و مقیاسهای نابرابری درآمد.

در بعضی از نظریه‌های اقتصادی، توزیع نابرابر درآمد شرط اساسی رشد اقتصادی معرفی شده است. دلیلی که قائلان این نظریه‌ها ذکر می‌کنند این است که قشرهای پایین اجتماعی نیازهای اشیاع نشدنی دارند. حال چنانچه توزیع درآمد برابر باشد قشرهای پایین تمام درآمد خود را صرف خرید کالاهای مصرفی می‌کنند، در صورتی که قشرهای

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور.

۲- دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه تربیت مدرس و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور.

بالا نیازهای اولیه خود را بر طرف کرده مازاد درآمد خود را پس انداز می‌کنند. چنانچه توزیع درآمد نابرابر باشد، رشد اقتصادی تسریع می‌گردد. علاوه بر توزیع عادلانه درآمد، امکانات و منزلت‌های اجتماعی در یک جامعه اسلامی باید عادلانه توزیع گردد. قشرهای پایین اجتماعی نباید احساس حقارت و از خود بیگانگی کنند، بلکه باید همانند سایر قشرها از احترام کافی برخوردار بوده، احساس خود باوری و اعتماد به خویش داشته باشند.

۱- مقدمه

از آنجا که کشور ما در مسیر توسعه اقتصادی قرار دارد، توجه به روشها، ابزار و پیامدهای این توسعه حائز اهمیت است. امروز بحث بر سر این است که آیا توسعه اقتصادی هدف است؟ آیا توسعه صرفاً یک پدیده اقتصادی است که در آن، منافع سریع ناشی از رشد کلی تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه به طور خود به خود متافعی را برای توده‌های مردم به صورت شغل و دیگر فرصتهای اقتصادی، فراهم می‌آورد و بنابراین وظیفه اصلی این است که رشد به هر نحوی تأمین شود؟ آیا می‌توان بین عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی رابطه‌ای منطقی و هماهنگ برقرار کرد، به گونه‌ای که اقشار کم درآمد جامعه در این راه قربانی نشوند؟

هدف اصلی از پژوهش حاضر آن است که با بررسی رابطه بین توسعه اقتصادی و توزیع درآمد بین عوامل تولید بتوان به طراحی سیاستهایی پرداخت و از طریق اجرای آن سیاستها، به کاهش نابرابریهای درآمدی و فرصتهای اقتصادی به منظور پیشبرد توسعه دست یافت.

سؤال اصلی پژوهش این است که آیا رشد اقتصادی در درجه اول اهمیت قرارداد و مسائل مربوط به فقر، بیکاری و توزیع درآمد از اهمیت ثانوی برخوردارند؟ فرضیه‌های پژوهش عبارتند از: (۱) توزیع عادلانه درآمد در کشورهای در حال توسعه در واقع می‌تواند شرط لازم رشد اقتصادی خود پایدار باشد، (۲) نیروی کار عامل اصلی تولید است و در توزیع درآمد هم پایه ابزار تولید نیست.

روش این پژوهش توصیفی بوده و جامعه آماری نداشته است. همچنین جمع‌آوری اطلاعات و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به سؤال و فرضیه‌های پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

در این پژوهش ابتدا نظریه رشد اقتصادی در مقابل توزیع درآمد مطرح می‌گردد و آنگاه به استدلال مخالفان این نظریه اشاره شود. سپس با بررسی علت توزیع نابرابر درآمد، نقش دولت در توزیع مناسب درآمد بیان می‌شود و با ذکر انواع روشهای مختلف اندازه‌گیری توزیع درآمد، چهار نوع سیاست که دولت می‌تواند برای توزیع مناسب درآمد به کار ببندد پیشنهاد گردد. سرانجام نظریه توزیع در اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد اسلامی مورد بررسی و دقت قرار می‌گیرد.

۲- تعریف مفاهیم و اصطلاحات

- ۱- توزیع دهگانه: ۱۰ درصد از هر کمیّت عددی مثلاً جمعیتی که به یک توزیع دهگانه تقسیم شده، جمعیتی است که به ده قسمت مساوی تقسیم شده است.^(۱)
- ۲- توزیع پنجگانه: ۲۰ درصد از هر کمیّت عددی. مثلاً جمعیتی که به توزیع پنجگانه تقسیم شده، جمعیتی است که به ۵ قسمت مساوی تقسیم شده است.^(۲)
- ۳- ضرایب جینی: یک اندازه‌گیری عددی، از مجموع نابرابری درآمدی که بین صفر و یک تغییر می‌کند.^(۳)
- ۴- شکاف درآمدی: فاصله بین درآمدهای پایتترین طبقات فقیر و بالاترین طبقات غنی جمعیت. اصلاح شکاف درآمدی، برای توجیه اختلاف بین درآمد سرانه کشورهای غنی و فقیر نیز به کار می‌رود.^(۴)
- ۵- نابرابری درآمدی: وجود عدم تناسب در توزیع کل درآمد ملی بین خانوارها، به طوری که سهم افراد ثروتمند در یک کشور، بسیار بیشتر از سهم افراد فقیر است.^(۵)
- ۶- درآمد سرانه: از تقسیم کل تولید ناخالص ملی (GNP) بر کل جمعیت به دست می‌آید.^(۶)
- ۷- منحنی لورنتز: منحنی‌ای که نمایشگر انحراف توزیع درآمد از وضع برابری کامل

۱- مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی و حمید سهرابی، جلد دوم، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۶ ص ۸۴۵
 ۲- همان ص ۹۰۱
 ۳- همان ص ۸۶۵
 ۴- همان ص ۸۷۰
 ۵- همان ص ۸۷۱
 ۶- همان ص ۸۷۱

است. (۱)

۸- درآمد شخصی: مقدار پول کسب شده توسط خانوارها، طی یک دوره زمانی مشخص. (۲)

۹- درآمد واقعی: درآمد دریافتی یک شرکت، یا یک خانوار، بر حسب قدرت خرید کالا و خدمات واقعی آن درآمد. (۳)

۱۰- سیاستهای توزیع مجدد: سیاستهایی که برای کاهش نابرابریهای درآمدی و فرصتهای اقتصادی به منظور پیشبرد توسعه پیش‌بینی می‌شود، مانند سیاستهای مربوط به مالیاتهای تصاعدی. (۴)

۱۱- توزیع درآمد بر حسب ابعاد: توزیع درآمد بر حسب ابعاد گروههای درآمدی. (۵)

۱۲- سهم عوامل: عبارت است از درصد کل تولید که عاید عوامل تولید می‌شود. مثلاً اگر فقط دو عامل کار و سرمایه در تولید مشارکت داشته باشند و نسبتهای مشارکت عوامل کار و سرمایه در تولید به ترتیب ۷۰ درصد و ۳۰ درصد باشد، سهم عامل کار در تولید ۷۰ درصد و سهم عامل سرمایه ۳۰ درصد خواهد بود. (۶)

۳- رشد اقتصادی در مقابل توزیع درآمد

اگر چه بیشتر تحلیلهای اقتصادی به نحو عجیبی درباره ارتباط بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد ساکتند، اما بعضی از نظریه‌ها در واقع ادعا می‌کنند که توزیع بسیار نابرابر درآمد، شرط لازم برای ایجاد رشد سریع اقتصادی است. بر طبق این نظریه‌ها، نابرابری وسیع، شرط لازم برای به حداکثر رساندن رشد است و در بلندمدت به حداکثر رساندن رشد، شرط لازم برای بالا بردن سطح زندگی تمام افراد از طریق فرایند طبیعی رخنه به پایین نظام اقتصادی رقابتی و مختلط است. لذا بر طبق این نظریه، توجه مستقیم به کاهش فقر نقض غرض خواهد بود. چنین دیدگاهی، چه صحیح و چه غلط، ولو ناآگاهانه،

۱- همان ص ۸۸۱

۲- همان ص ۸۹۴

۳- همان ص ۹۰۳

۴- همان ص ۹۰۳

۵- همان ص ۹۰۸

۶- همان ص ۹۲۲

تحلیلی منطقی - روانی برای تراکم ثروت به وسیله گروههای ممتاز قدرتمند به دست می‌دهد.

اساسی‌ترین استدلال اقتصادی که این نظریات درباره نابرابری زیاد درآمدها ارائه میکنند این است که اقشار ثروتمند نیازهای مصرفی ندارند و نیاز اولیه آنها اشباع شده و لذا درآمدهای اضافی را پس‌انداز می‌کنند و سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. در یک دوره بعد، تولید افزایش یافته و توزیع درآمد حاصل از رشد بهبود می‌یابد. اما اقشار فقیر تمام درآمد خود را صرف کالاهای مصرفی می‌کنند و اگر نرخ رشد تولید ناخالص ملی به طور مستقیم با نسبت درآمد ملی به پس‌انداز مرتبط باشد، اقتصادی که با توزیع بسیار نابرابر درآمد مشخص می‌شود، پس‌انداز بیشتر خواهد داشت و سریعتر از کشوری رشد می‌کند که توزیع درآمد عادلانه‌تر دارد.

۴- استدلال مخالفان (توزیع درآمد در مقابل رشد اقتصادی)

به چهار دلیل زیر بعضی از اقتصاددانان توسعه اکنون بر این باورند که استدلال فوق غلط است و برابری بیشتر در کشورهای در حال توسعه در واقع می‌تواند شرط لازم رشد اقتصادی خود پایدار باشد:

۱- تجربه تاریخی کشورهای توسعه نیافته نشان می‌دهد که ثروتمندان، زمین‌داران بزرگ، سوداگران و سیاستمداران ممتاز به اتلاف بخش عمده‌ای از درآمدهای خود در راه خرید کالاهای لوکس وارداتی، خانه‌های گرانقیمت، مسافرت‌های خارج از کشور و سرمایه‌گذاری در زمینه طلا، جواهرات و حسابهای بانکی خارج از کشور مشهورند. این نوع پس‌انداز و سرمایه‌گذاری به منابع تولیدی کشور اضافه نمی‌کند. در واقع، ثروتمندان مصرف‌کنندگان عمده این منابع هستند و درآمدهای که به این نحو عاید می‌شود، حاصل عرق جبین و دسترنج کارگران عادی، بیسواد و غیرماهر است.

۲- درآمد کم و سطح نازل زندگی فقرا، در بهداشت، تغذیه و آموزش نامناسب آنان متجلی می‌شود و بهره‌وری اقتصادی آنان را کاهش می‌دهد. و این امر مستقیم یا غیرمستقیم به رشد کندتر اقتصاد می‌انجامد.

۳- در حالی که ثروتمندان تمایل دارند که بیشتر درآمد اضافی خود را صرف خرید کالاهای تجملی وارداتی کنند، افزایش سطح درآمد فقرا، تقاضا برای آن بخش از کالاهای ضروری را که در داخل تولید می‌شود، مانند غذا و پوشاک افزایش می‌دهد. این افزایش تقاضا برای کالاهای محلی انگیزه بیشتری برای تولید محلی، اشتغال محلی و سرمایه‌گذاری محلی به وجود می‌آورد و به این ترتیب، افزایش سطح درآمد فقرا، شرایط رشد اقتصادی سریع و مشارکت توده مردم در این رشد را به وجود می‌آورد.

۴- توزیع عادلانه درآمد که موجب کاهش فقر گسترده می‌شود، صورت یک انگیزه نیرومند مادی و روانی می‌تواند به مشارکت گسترده همگان در فرایند توسعه، و در نتیجه، تحقق توسعه اقتصادی سالم بینجامد.^(۱)

۵- توزیع نابرابر درآمد به علت توزیع نابرابر عوامل تولید

برای اینکه بدانیم چگونه و چرا درآمدها در گروه‌های معینی از جمعیت متمرکز شده باید بدانیم چگونه عوامل تولید کسب درآمد بین گروه‌های مختلف جمعیت توزیع شده است. درآمد شخصی نه فقط از عرضه کار یک فرد، بلکه در گروه‌های بالای درآمدی از کنترل فردی سایر ثروتهای مولد درآمد، مانند زمین و سرمایه نیز تشکیل می‌شود. وقتی عوامل واقعی تعیین‌کننده توزیع درآمد را تحلیل می‌کنیم می‌بینیم توزیع بسیار نابرابر ثروت‌های تولیدی مانند زمین و سرمایه بین گروه‌های مختلف اجتماعی، موجب اختلاف وسیع درآمد بین فقرا و ثروتمندان می‌شود.

تمرکز سرمایه مادی، مالی و همچنین زمین در دست طبقه خاصی از جمعیت، امکان ذخیره‌سازی سرمایه انسانی از طریق آموزش بیشتر را برای آن طبقه خاص فراهم می‌سازد. با این روش ثروتمند هر روز ثروتمندتر و فقیر هر روز فقیرتر می‌شود.

۱- مایکل تودارو؛ توسعه اقتصادی در جهان سوم؛ غلامعلی فرجادی، چاپ ششم تهران: موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۷، ص ۱۷۲.

۶- روشهای مختلف اندازه گیری توزیع درآمد

توزیع درآمد را به روشهای مختلف می توان اندازه گیری که عمده ترین روشهای مذکور در کتب اقتصادی به شرح زیر مورد بررسی قرار می گیرد:

۶-۱- توزیع درآمد بر حسب ابعاد

در این روش، توزیع درآمد را بر حسب ابعاد گروههای درآمدی مثلاً سهم کل درآمد ۴۰ درصد فقیرترین افراد یا ۱۰ درصد غنی ترین مردم، بدون توجه به منابع این درآمد (مانند مزد، بهره، اجاره، یا سود) محاسبه می کنند.^(۱)

۶-۲- توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید

در این روش سعی می شود سهم کل هر یک از عوامل تولید از درآمد ملی محاسبه گردد. این نظریه به جای در نظر گرفتن افراد به عنوان هستیهای جداگانه، درصد درآمدی را که نیروی کار در مجموع می گیرد با درصد کل درآمدی که به شکل اجاره، بهره و سود توزیع می شود مقایسه می کند. البته ممکن است بعضی از افراد از تمام منابع فوق، درآمد دریافت نکنند، ولی این موضوع ارتباطی با نظریه توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید ندارد.^(۲)

۶-۳- توزیع مقداری درآمد

این مقیاس صرفاً با اشخاص یا خانواده ها و کل درآمدی که آنها دریافت می کنند سرو کار دارد. در این روش طریق کسب درآمد در نظر گرفته نمی شود، بلکه مهم این است که هر فرد چه مقدار درآمد کسب کرده است، بدون توجه به اینکه درآمد او تماماً از اشتغال ناشی شده یا از منابع دیگری مانند بهره، سود، اجاره، هدیه و ارث. به علاوه موقعیت جغرافیای و منابع شغلی درآمد (کشاورزی، صنعت و خدمات) نیز نادیده گرفته

۱- مایکل تودارو؛ توسعه اقتصادی در جهان سوم؛ ترجمه غلامعلی فرجادی و حمید سهرابی جلد دوم، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۶، ص ۸۹۶. ۲- همان، جلد اول، ص ۲۲۱.

می‌شود. (۱)

۶-۴- توزیع درآمد از طریق منحنی لورنز

منحنی لورنز، رابطه کمی واقعی بین درصد جمعیت دریافت‌کنندگان درآمد و درصد کل درآمدی است که آنان در طول یک سال دریافت می‌دارند. (۲)

برای ترسیم این منحنی درصدهای تجمعی جمعیت را روی محور افقی و درصدهای تجمعی درآمد را روی محور عمودی نشان می‌دهند. برای نمونه، نقطه ۲۰، نماینده ۲۰ درصد پایین‌ترین (فقیرترین) گروههای درآمدی و نقطه ۶۰ نماینده ۶۰ درصد پایین‌ترین گروههای درآمدی است. محورها بر حسب درصدهای تجمعی تا ۱۰۰ درصد مدرج شده‌اند و بنابراین، طول هر دو محور مساوی است. تمام شکل به صورت یک مربع است. یکی از قطرهای این مربع از گوشه پایین سمت چپ (مبدأ مختصات) به گوشه بالای سمت راست امتداد دارد. در هر نقطه بر روی این قطر، درصد درآمدهای دریافت شده دقیقاً برابر درصد جمعیت دریافت‌کنندگان درآمد است. به عبارت دیگر، قطر مربع نمایانگر برابری کامل در توزیع درآمد مقداری است، بدین معنا که درصد گروه درآمدی، همان درصد از کل درآمد را دریافت می‌کند. در شکل ۱ در نقطه A گروه ۱۰ درصد پایین‌ترین فقط ۱/۸ درصد کل درآمد را دریافت می‌کند. نقطه B نشان می‌دهد که گروه ۲۰ درصد پایین ۵ درصد کل درآمد را دریافت می‌کند.

هرچه منحنی لورنز از قطر (برابری کامل) دورتر شود، درجه نابرابری بیشتری را نشان می‌دهد. مورد افراطی نابرابری کامل یعنی وضعیتی که یک فرد تمام درآمد ملی را دریافت کند و افراد دیگر اصلاً درآمدی نداشته باشند - وقتی است که منحنی لورنز بر محور افقی پایین و محور عمودی سمت راست منطبق شود. چون توزیع درآمد هیچ کشوری کاملاً نابرابر نیست، منحنی لورنز در کشورهای مختلف در سمت راست قطر مربع قرار می‌گیرد. هرچه درجه نابرابری بیشتر باشد منحنی لورنز خمیده‌تر و به محور افقی پایین نزدیکتر خواهد شد. شکل ۲ و ۳ به ترتیب توزیع نسبتاً برابر درآمد و توزیع

نسبتاً نابرابر درآمد را نشان می‌دهند. هرچه درجه تحدب منحنی لورنز بیشتر باشد، درجه نابرابر درآمد بیشتر است.^(۱)

۵-۶- ضرایب جینی و مقیاسهای نابرابری درآمد

برای مشخص ساختن درجه نابرابری درآمد در یک کشور می‌توان به وسیله محاسبه نسبت ناحیه بین قطر مربع و منحنی لورنز در مقایسه، با کل ناحیه نصف مربع که منحنی در آن واقع است، مقیاس خلاصه و بسیار ساده‌ای را ارائه کرد.^(۲) در شکل ۴ این نسبت عبارت است از ناحیه هاشور خورده A به کل ناحیه مثلث BCD. این نسبت به نام آماردان ایتالیایی «سی جینی» نامیده شده است. ضرایب جینی مقیاسهای نابرابری کل است و می‌تواند از صفر (برابری کامل) تا یک (نابرابری کامل) تغییر کند. ضریب جینی برای کشورهایی که توزیع درآمد بسیار نابرابر دارند بین ۰/۵ تا ۰/۷ و برای کشورهای که دارای توزیع درآمد نسبتاً عادلانه هستند بین ۰/۲ تا ۰/۳۵ است. ضریب جینی بیش از ۰/۷ غیر قابل تحمل است و در صورت تحقق، بروز تنشهای اجتماعی و سقوط دولت متحمل است.^(۳)

۷- دخالت دولت در توزیع مناسب درآمد

یکی از وظایف مهم دولت اسلامی، ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسانها با حفظ آزادگی آنها است.^(۴) برای تحقق این امر دولت ناگزیر است توزیع مقداری درآمد را تعدیل کند، به طوری که سطح درآمد ۴۰ درصد پایینترین گروه اجتماعی افزایش یابد. در این مقاله با به ۴ روش تعدیل درآمد که دولت می‌تواند سیاست توزیع مناسب درآمد را اتخاذ کند اشاره می‌کنیم.

۱- محمد لشکری، شاخص‌های رفاه اجتماعی؛ اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال دوازدهم، ۱۳۲-۱۳۱.

۲- مرداد و شهریور ۱۳۷۷، ص ۲۱۸.

۳- محمد لشکری، همان، ص ۲۱۹.

۴- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل چهل و سوم.

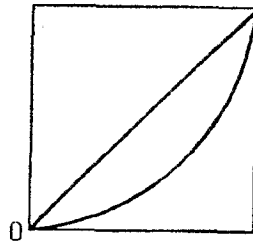
جدول ۱ توزیع مقدار فرضی (و نوعی) درآمد شخصی در کشورهای کمتر توسعه یافته بر حسب سهم درآمد (گروههای پنجگانه و دهگانه)

سهم نسبی درآمد کلی		درآمد شخصی	
گروههای دهگانه	گروههای پنجگانه	(بر حسب واحد پول)	افراد
		۰/۸	۱
۱/۸		۱/۰	۲
		۱/۴	۳
۳/۲	۵	۱/۸	۴
		۱/۹	۵
۳/۹		۲/۰	۶
		۲/۴	۷
۵/۱	۹	۲/۷	۸
		۲/۸	۹
۵/۸		۳/۰	۱۰
		۳/۴	۱۱
۷/۲	۱۳	۳/۸	۱۲
		۴/۲	۱۳
۹		۴/۸	۱۴
		۵/۹	۱۵
۱۳/۰	۲۲	۷/۱	۱۶
		۱۰/۵	۱۷
۲۲/۵		۱۲/۰	۱۸
		۱۳/۵	۱۹
۲۸/۵	۵۱	۱۵/۰	۲۰
۱۰۰/۰	۱۰۰	۱۰۰/۰	جمع (درآمد ملی)

تذکر:

۰/۲۸ = ۱۴/۵۱ = نسبت ۴۰٪ پایین به ۴۰٪ بالا: مقیاس نابرابری
 مأخذ: مایکل تودارو؛ توسعه اقتصادی در جهان سوم؛ غلامعلی فرجادی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی توسعه، ص ۱۴۰.

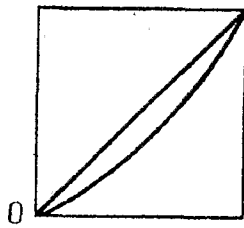
درصد تجمعی درآمد



شکل ۱ منحنی لورنز

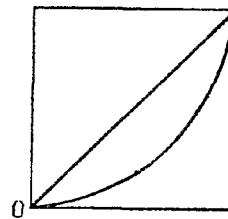
درصد جمعیت دریافت کنندگان درآمد

صد درصد درآمد



صد درصد جمعیت

صد درصد درآمد

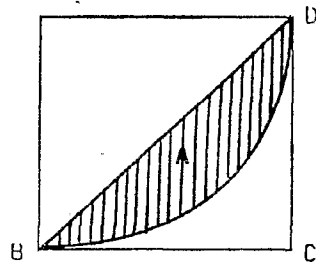


صد درصد جمعیت

شکل ۲ توزیع نسبتاً برابر درآمد

شکل ۳ توزیع نسبتاً نابرابر درآمد

درصد تجمعی درآمد



$$\text{ضریب جینی} = \frac{\text{ناحیه هاشور خورده} A}{\text{ناحیه BCD}}$$

$$0 \leq G \leq 1$$

درصد تجمعی جمعیت

شکل ۴ برآورد ضریب جینی

۸- انتخاب سیاست‌های مناسب توزیع درآمد

دولت می‌تواند از چهار نوع سیاست برای توزیع مناسب درآمد استفاده کند که عبارتند از:

۸-۱- تغییر توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید از طریق اتخاذ سیاست‌های تغییر قیمت‌های نسبی عوامل تولید

اساساً نرخ دستمزد بالاتر از مقداری است که توسط نیروهای عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. نهادهای قانونی، مثل وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی در جهت حمایت از کارگران و تعیین حداقل دستمزد موجب می‌شوند تا عرضه نیروی کار از تقاضای آن بیشتر شده، بخش عمده‌ای از نیروی کار از همان حداقل دستمزد نیز بی‌بهره باشد و نرخ بیکاری افزایش یابد. در صورتی که دستمزد نیروی کار نسبت به سرمایه کاهش یابد کارفرمایان در فعالیتهای تولیدی خود کارگر را جانشین سرمایه می‌کنند. تعیین قیمت عوامل با این روش، سطح کل اشتغال را افزایش می‌دهد و سرانجام موجب می‌شود درآمد فقرا که عموماً فقط خدمات کار خود را در اختیار دارند افزایش یابد.

از طرف دیگر، قیمت تجهیزات سرمایه‌ای به شکل مصنوعی در سطح پایین قرار دارد و این کار از طریق سیاست‌های متعدد دولتی مانند ایجاد انگیزه‌های سرمایه‌گذاری، معافیت‌های مالیاتی، نرخهای بهره کمک شده از سوی دولت، نرخهای ارز بیش برآورد شده، و تعرفه پایین گمرکی بر کالاهای سرمایه‌ای وارداتی صورت می‌پذیرد.

اگر این امتیازهای ویژه و کمک‌های دولت به سرمایه‌ها بر طرف شود و قیمت سرمایه به سطح کمیابی واقعی خود افزایش یابد، تولیدکنندگان انگیزه‌های بیشتری دارند که از عرضه فراوان نیروی کار بیشتر استفاده کنند و استفاده از سرمایه بسیار کمیاب را کاهش دهند.

چون فرض می‌شود که در هر اقتصاد، قیمت‌های عوامل تولید به عنوان علائم و انگیزه‌های نهایی عمل می‌کنند، تصحیح این قیمت‌ها (یعنی کاهش قیمت نسبی کار و افزایش قیمت نسبی سرمایه) نه فقط بهره‌وری و کارایی را افزایش می‌دهد، بلکه

همچنین نابرابری را با ایجاد مشاغل دستمزدبگیری برای کارگران ماهر و غیرماهر بیکار و کم‌کار کنونی کاهش می‌دهد، و در ضمن، درآمدهای بالای صاحبان سرمایه را کم می‌کند. بنابراین، برطرف کردن این‌گونه انحرافات در قیمت عوامل در جهت ترکیب رشد کارا تر، اشتغال بیشتر، فقر کمتر و برابری بیشتر خواهد بود.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که استدلال سنتی انحراف قیمت عوامل و تصحیح قیمت‌ها در کاهش فقر و بهبود توزیع درآمد اهمیت زیادی دارد. حدود تأثیر واقعی سیاست تصحیح قیمت‌ها بستگی به آن دارد که با کاهش قیمت نسبی کار و افزایش قیمت سرمایه، بنگاه‌ها و مزارع تا چه حد روش‌های تولید را در جهت روش‌های تولید کار برتر تغییر دهند. البته این یک مسأله مهم تجربی است و پاسخ به این سؤال از یک کشور به کشور دیگر فرق می‌کند.

۸-۲- تعدیل توزیع مقداری درآمد از طریق توزیع مجدد داراییها

با توجه به قیمت‌های عوامل و سطح بهره‌برداری هر یک از عوامل تولید می‌توانیم درآمد کل هر یک از عوامل را برآورد کنیم، ولی برای تبدیل درآمد ناشی از عوامل تولید به درآمد شخصی باید توزیع و تمرکز مالکیت داراییها بین و در داخل گروه‌های مختلف جمعیت بررسی شود. علت نهایی توزیع بسیار نابرابر درآمدهای شخصی، توزیع بسیار نابرابر و الگوی بسیار متمرکز مالکیت داراییها است. دلیل اصلی اینکه چرا کمتر از ۲۰ درصد جمعیت کشور بیش از ۵۰ درصد درآمد ملی را دریافت می‌کنند این است که این ۲۰ درصد جمعیت احتمالاً بیش از ۷۰ درصد منابع تولیدی به ویژه سرمایه مادی، زمین و حتی سرمایه انسانی به شکل آموزش بهتر را در اختیار دارند و کنترل می‌کنند. تصحیح قیمت‌های عوامل مطمئناً برای کاهش اساسی نابرابریهای درآمدی یا ریشه‌کن کردن فقر گسترده کافی نخواهد بود.

دومین سیاست کاهش فقر و نابرابری این است که به طور مستقیم بر کاهش کنترل متمرکز ثروت، توزیع نابرابر قدرت و دسترسی نابرابر امکانات آموزش و کسب درآمد تأکید گردد.

سرمایه انسانی به شکل آموزش و مهارت، مثال دیگری از توزیع نابرابر مالکیت ثروت تولیدی است. بنابراین سیاستهای دولت باید امکان دسترسی گسترده‌تر به امکانات آموزشی را به عنوان وسیله افزایش توانایی کسب درآمد برای همه مردم فراهم سازد.

۳-۸- تعدیل توزیع مقداری درآمد در سطوح بالا از طریق مالیاتهای تصاعدی بر درآمد و ثروت

اگر دولت بخواهد سطح زندگی ۴۰ درصد پایتترین گروه درآمدی را بهبود بخشد، نیاز به منابع مالی کافی دارد. منبع اصل تأمین مالی چنین سیاستی، مالیات مستقیم و تصاعدی بر درآمد و ثروت است. مالیات بر درآمد مستقیم و تصاعدی بر درآمدهای شخصی و شرکتها تأکید دارد. بدین ترتیب بار مالیات بیشتر بر گروههای بالای درآمدی تحمیل می‌شود.

متأسفانه در کشور ما اختلاف بین آنچه باید ساخت مالیات تصاعدی باشد و آنچه گروههای مختلف درآمدی واقعاً می‌پردازند بسیار زیاد است. ساخت مالیات اگرچه بر روی کاغذ تصاعدی است، ولی در عمل اغلب نزولی است، به این معنا که گروههای پایین و متوسط درآمدی نسبت به گروههای بالای درآمدی سهم، بالاتری از درآمد خود را به عنوان مالیات می‌پردازند. دلیل این امر آن است که مالیاتی که از فقرا دریافت می‌شود به شکل مالیات بر منبع درآمد یا هزینه است. از طرف دیگر، گروههای بالای درآمدی، عمده درآمد خود را از بازده سرمایه‌های مادی به دست می‌آورند که اغلب فاقد گزارش مالیاتی است. لذا این گروه بدون ترس از مجازاتها و جرائم مالیاتی، قدرت فرار از مالیات را دارند. لذا در زمینه توزیع مجدد درآمد، سیاست تحمیل نرخ تصاعدی مالیات بر درآمد و ثروت، بیش از هر چیز ضرورت دارد.

۸-۴- تعدیل (افزایش) توزیع مقداری درآمد در سطح پایینتر از طریق پرداختهای انتقالی مستقیم و تأمین کالاها و خدمات اساسی

تأمین کالاها و خدمات اساسی برای فقرا اگر به وسیله مالیاتها تأمین شود به طور بالقوه می‌تواند یکی از ابزارهای بسیار مهم سیاست جامع ریشه کن کردن فقر باشد. به عنوان مثال، پروژه‌های بهداشت عمومی در مناطق روستایی و حاشیه شهرها، برنامه تغذیه دانش‌آموزان دبستانی و پیش‌دبستانی در مناطق محروم، تأمین آب آشامیدنی سالم، گاز و برق رسانی به مناطق روستایی دورافتاده، سیاستهای مستقیم دولت برای پایین نگه داشتن قیمت مواد غذایی می‌تواند در افزایش درآمد واقعی فقرا اثر بگذارد.

۹- نظریه توزیع در اقتصاد سرمایه‌داری

در نظام سرمایه‌داری کلاسیک امر تولید با مشارکت عوامل کار، زمین و سرمایه انجام می‌شود. بنابراین محصول به نسبت سهمی که هر یک از عوامل در تولید دارند میان صاحبان آن تقسیم می‌شود. محصول کار و یا ارزش نقدی و درآمدهای حاصل از تولید به سه سهم تقسیم می‌شود:

۱- دستمزد،

۲- بهره،

۳- اجاره.

«دستمزد» سهمی است که نصیب عامل انسانی تولید، یعنی کارگر که نقش مهمی در تولید دارد، می‌شود. «بهره» نصیب صاحب سرمایه اعم از سرمایه فیزیکی (مثل ماشین‌آلات و ساختمان) و نامرئی (مثل سرقتی و حق اختراع) می‌شود. «اجاره» به صاحب زمین می‌رسد.

با وجود تقسیم‌بندیهای مختلف بالا، اصل توزیع سرمایه‌داری ثابت است و ماهیتش تغییر نمی‌کند. به علاوه تمام عناصر تولید، در یک سطح قرار داده شده، سهم هر کدام از محصول، متناسب با میزان مشارکت آنها در تولید به حساب آمده است؛ به این صورت که کارگر، مزد و سرمایه‌دار، بهره را دریافت می‌کند، زیرا کار و سرمایه طبق عرف

سرمایه‌داری، هر دو از جمله عوامل و عناصر شرکت‌کننده در تولیدند، و نتیجه تولید (محصول) به نسبتی که قوانین عرضه و تقاضا و سایر قوانین حاکم بر توزیع تعیین می‌کنند میان آنها تقسیم می‌شود.

۱۰- نظریه توزیع در اقتصاد اسلامی و مقایسه آن با نظریه سرمایه‌داری
اسلام با نظریه سرمایه‌داری، اختلاف اصولی دارد و آن را مطلقاً مردود شناخته است. زیرا برخلاف سرمایه‌داری که عوامل تولید را در یک سطح واحد قرار می‌دهد، اسلام آنها را در یک ردیف نمی‌داند، و از این رو توزیع بر طبق قانون عرضه و تقاضا را قبول ندارد.

در مورد توزیع پس از تولید طبق نظریه اسلام، محصول و درآمد تولیدی فقط در مالکیت کسی است که روی مواد اولیه طبیعی شخصاً کار کرده باشد و صاحبان ابزار تولید (زمین و سرمایه) که در تولید از آنها استفاده شده سهمی از محصول نمی‌برند، زیرا ابزار و وسایل مزبور در تولید جنبه فرعی دارند و فقط برای مهار کردن طبیعت به کار می‌آیند.

از آنجا که اسلام کارگر را عامل اصلی تولید می‌شناسد، اگر ابزار تولید در سطح عامل انسانی قرار داده شود، ناگزیر در توزیع، همپایه کارگر قرار می‌گیرد که شیوه متداول رژیم سرمایه‌داری و مخالف نظر اسلام است؛ چه اسلام تمام محصول را از آن عامل کار می‌داند، ولی در مقابل نقشی که زمین و ابزار کار در تولید انجام می‌دهند، صاحبان آنها را مستحق دریافت اجرت دانسته است. به همین دلیل اگر عامل کار صاحب وسایل کار نیز باشد، تمام محصول به خود او تعلق خواهد داشت.

بنابراین در نظریه اقتصاد اسلامی، انسان سازنده و تولیدکننده، صاحب اصلی ثروتی است که با کار او روی مواد طبیعی به دست آمده، و عناصر مادی تولید نصیبی از اصل محصول ندارند، ولی تولیدکننده در برابر صاحبان ابزار تولید، مدیون است و باید دین خود را اداء و ذمه خویش را بری کند؛ بدین ترتیب که اجرت صاحبان وسایل تولید را بدهد.

علت اساسی فرق دو سیستم توزیع در اسلام و سرمایه‌داری اختلافی است که راجع به شخصیت و نقش انسان در تولید، میان دو مکتب مزبور وجود دارد. در رژیم سرمایه‌داری، انسان وسیله‌ای است در خدمت تولید و در نتیجه با سایر عوامل تولید یعنی طبیعت و سرمایه در یک سطح قرار دارد و مثل آنها سهمی از محصول به او تعلق می‌گیرد. در نظریه اقتصاد اسلامی، انسان هدف و غایت است، نه وسیله. تولید به خاطر انسان و برای رفع نیازهای او صورت می‌گیرد و لذا انسان در ردیف سایر عوامل قرار ندارد و از لحاظ نظری سهم او با سهم صاحبان سایر عوامل تفاوت دارد. در نظریه اسلامی اگر کسی وسایل شخص دیگری را در تولید مورد استفاده قرار دهد، محصول تماماً به خود او تعلق می‌گیرد و صاحب وسایل با او شریک نمی‌شود، بلکه فقط بابت استفاده از ابزار تولید باید به صاحب ابزار اجرت پرداخت کند.^(۱)

۱۱- توزیع عادلانه امکانات و منزلتهای اجتماعی

در آخر باید این نکته مهم را مد نظر داشت که انسان در بین عوامل تولید همپایه دو عنصر دیگر یعنی سرمایه و زمین نیست و درآمد باید بین این عوامل به شکل عادلانه توزیع شود، نه مساوی. البته توزیع عادلانه درآمد، معلول توزیع عادلانه امکانات و منزلتهای اجتماعی است. امکاناتی که از آنها برای اندازه‌گیری شاخص‌های توسعه فرهنگی یاد می‌شود از جمله عبارتند از:

تعداد سینماها، فرهنگسراها، مطبوعات، کتابخانه‌ها و کتابفروشیها، مسکن، موزه، پوشش صدا و سیما، سوادآموزی، قدرت سیاسی، بهداشت و درمان، اطلاعات و ارتباطات، اشتغال، منزلت اجتماعی، خود باوری و اعتماد به خویش.

اگر امکانات یاد شده عادلانه توزیع گردند و برای همگان فرصت مناسب برای استفاده از امکانات فرهنگی فراهم شود، توزیع درآمد بهبود خواهد یافت.

۱۲- نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش

- ۱- شکاف درآمدی بین درآمدهای پایتترین طبقات فقیر و بالاترین طبقات غنی جمعیت نه فقط به رشد اقتصادی نمی‌انجامد، بلکه بهره‌وری اقتصادی را کاهش می‌دهد که این امر به رشد کندتر اقتصاد می‌انجامد.
- ۲- سهم بخشهای مختلف اقتصادی از درآمد حاصل از تولید باید عادلانه باشد.
- ۳- راهبردهایی که به رفاه مادی ۴۰ درصد پایتترین طبقه درآمدی بینجامد کلاً بهره‌وری و درآمد اقتصاد را بهبود می‌بخشد.
- ۴- افزایش سهم درآمد باعث افزایش سطح تقاضا برای کالاهای ضروری تولید داخل می‌شود که این امر انگیزه بیشتری برای تولید محلی، اشتغال محلی و سرمایه‌گذاری محلی به وجود می‌آورد.
- ۵- طبق نظر اسلام، انسان صاحب اصلی ثروتی است که با کار او روی مواد طبیعی به دست آمده و عناصر مادی تولید نصیبی از اصل محصول ندارند.
- ۶- برای توزیع عادلانه درآمد باید به توزیع عادلانه امکانات و منزلتهای اجتماعی پرداخت.

۱۳- پیشنهادهای سیاستی

- دولت می‌تواند از ۴ روش زیر به ترتیب اولویت برای توزیع مناسب درآمد استفاده کند:
- ۱- تعدیل توزیع مقداری درآمد در سطوح بالا از طریق مالیاتهای تصاعدی بر درآمد و ثروت.
 - ۲- تعدیل توزیع مقداری درآمد از طریق توزیع مجدد داراییها.
 - ۳- تغییر توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید از طریق اتخاذ سیاستهای مرتبط با تغییر دادن قیمت‌های نسبی مربوط به عوامل تولید.
 - ۴- تعدیل توزیع مقداری درآمد در سطح پایتترین، از طریق پرداختهای انتقالی مستقیم و نیز تأمین کالاها و خدمات اساسی.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- پژوهشگران، جمشید، مالیه عمومی و تعیین خط مشی دولتها، چاپ اول، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۳.
- ۲- تودارو، مایکل؛ توسعه اقتصادی در جهان سوم؛ چاپ ششم، غلامعلی فرجادی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه ۱۳۷۷.
- ۳- صدر، محمد باقر، اقتصاد ما، ع اسپهبدی، ۲ جلد تهران: انتشارات اسلامی، بی تا، بی جا.
- ۴- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل چهل و سوم.
- ۵- لشکری محمد، شاخص‌های رفاه اجتماعی "اطلاعات سیاسی - اقتصادی سال دوازدهم ۱۳۲-۱۳۱ مرداد و شهریور ۱۳۷۷".